

۳۳

تذکره

گزیده بیانات آیت‌الله عابدینی

در برنامه تلویزیونی سروش آسمانی

۶ فروردین ماه ۱۴۰۰



سازمان مجله قرین



اشاره

نشریه ذکر جمعه با هدف انتشار گزیده بیانات آیت‌الله عابدینی، نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه قزوین، جمعه هر هفته به صورت الکترونیکی از طریق شبکه‌های اجتماعی ستاد نماز جمعه منتشر می‌گردد.

لازم به ذکر است متن بیانات امام جمعه محترم، با حذف و اضافات و ویرایش همراه است و سعی شده است جهت مطالعه و بهره‌جویی هرچه بهتر مخاطبین گرامی، اهم محورها ارائه گردد.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ الطَّاهِرِينَ

ذکر خدا؛ مایه آرامش دل ها

در آستانه میلاد منجی عالم بشریت هستیم. میلاد آن حضرت را که امید اهل عالم هستند، تبریک عرض می‌کنم. سال نوراهم خدمت همه هم‌استانی‌های عزیز، همه مردم شریف و اقشار مختلف تبریک عرض می‌کنم. امیدواریم که همیشه از برکات این ماه و این سال و از لطف و رحمت و عنایت خدا برخوردار باشیم. دل‌های شاد سرمایه لازم دارند و نمی‌شود همین طوری به دل گفت تو شاد باش. خدای متعال می‌خواهد که دل بندگانش شاد باشد،



بندگانش آرامش داشته باشند، راحت باشند، ترس نداشته باشند، دلواپس نباشند، آینده زندگی‌شان را تاریک نبینند، استرس و اضطراب در وجودشان رخنه نکند و امیدوار زندگی کنند. همه این‌ها را خدا برای بندگانش خواسته است. این‌ها سرمایه‌ها و زیرساخت‌های دل‌خوشی هستند. آن چیزی را که خدا برای ما تدارک دیده است، در نظر بگیریم. مثلاً همه ما آدم‌ها از استرس و اضطراب رنج می‌بریم. خدا می‌گوید خوب نیست شما در استرس و اضطراب باشید. ما از ترس رنج می‌بریم. خدا نمی‌خواهد ما بترسیم. می‌خواهد در امن و امان باشیم. ما از تحقیر و توهین رنج می‌بریم. خدا می‌خواهد ما کریم و عزیز باشیم. خدا می‌داند که ما از یأس و ناامیدی رنج می‌بریم. می‌خواهد ما امیدوار باشیم، به آینده خوش‌بین باشیم و چشم‌انداز روشن





زندگی داشته باشیم. همه این‌ها را خدا برای ما تدارک دیده است. فرموده است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱.

نمی‌خواهید دلتان آرامش داشته باشد؟ یعنی همه آن منفی‌ها از دلتان فرار کند و همه آن تاریکی‌ها از جانتان زدوده بشود. این با ذکر خدا امکان دارد و راه دیگری ندارد. ذکر خدا یعنی هماهنگی با خدا، یعنی قرآن کلام خدا، یعنی نماز عرصه گفت‌وگو و محاوره با خدا، یعنی مهربانی و مردم‌دوستی، یعنی دل‌سوزی نسبت به بندگان خدا، یعنی طبیعت را آباد کردن و آب و خاک و اکسیژن را به هم نریختن، یعنی ظلم نکردن، برای عدالت دغدغه داشتن و با ستمگران درافتادن. همه این‌ها که با هم شد، می‌بینیم که آدم‌ها در آرامش زندگی می‌کنند.

۱. [بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد (رعد: ۲۸).

زندگی اهل بیت علیهم السلام؛ اسوه اهل ذکر

بینید امیرالمؤمنین علیه السلام چطور اهل ذکر بوده است. امام حسین علیه السلام، امام حسن علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، علی اکبر، الگوی جوانان ما و ائمه هدی علیهم السلام اهل ذکر بودند. در زندگی هایشان می بینیم که اینها چه رفتاری داشتند. این مجموعه رفتارها، یعنی مبارزه با تاریکی، یأس و ناامیدی، ترس، استرس و اضطراب درونی و اینها همه، یعنی ناپاکی و آلودگی. قرآن فرمود که:

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۱.

قرآن را جز پاکان درک نمی کنند. یعنی این آلودگی ها را به کمک قرآن جارو کنید، پاک کنید و از وجودتان بیرون بریزید تا زمینه پذیرش آیات الهی، نور و رحمت، مهربانی و

۱. جز پاک شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و لطایف] آن دسترسی ندارند (واقعه: ۷۹).



امید و نشاط و سرزندگی در شما پا بگیرد. صلح پایدار هم قرآن و امام است. اینکه فرمود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱.

«صالحون» از صلح می‌آید. امام مُصلِح است. انسان‌های منتظر امام، خودشان را برای مصلح آماده می‌کنند. مبارزه با ستمگران و ظالمان هم برای صلح است.

دعوت قرآن به دفاع در برابر دشمن، برای برقراری صلح

آن‌ها برای خون‌ریزی می‌جنگند، برای غارت منابع مردم جنگ و خون‌ریزی راه می‌اندازند و برای استثمار این کار را می‌کنند؛ اما مؤمنین برای صلح می‌جنگند؛ و لذا خدای متعال فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا

۱. و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به میراث می‌برند (انبیاء: ۱۰۵).



وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱.

نمی‌گویند که شما جنگ را شروع کنید، ولی می‌گویند اگر «فئه» ای به جنگ با شما آمدند و ماجراجویی کردند؛ مثل صدام که به خبرنگاران گفت من دیگر حوصله ندارم به همه سؤالات شما پاسخ بدهم. سه روز دیگر به بقیه سؤالات در تهران جواب می‌دهم. عین همین را سرکرده منافقین هم گفت. تقریباً به اندازه طی کردن مسیر غرب کشور (کرمانشاه و سرپل ذهاب) تا تهران مهلت داد و گفت بیاید تهران بقیه سؤالات را پاسخ بگویم. دشمنان ما، چه منافقین، چه صدام، چه مستکبران آمریکایی و چه صهیونیست‌ها این حماقت را همیشه داشته‌اند. قرآن می‌فرماید ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر «فئه» و گروهی با این افکار و اندیشه‌های پوک شیطانی سراغ شما

۱. ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید (انفال: ۴۵).



آمد، ثابت قدم باشید و زیاد به یاد خدا باشید تا پیروز بشوید.

اینکه می‌فرماید زیاد به یاد خدا باشید، یعنی شما پیام‌آوران صلح و آرامش هستید. هم باید در درونمان آرامش حاکم باشد و هم به گفته امام رحمة الله علیه: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم»^۱ باید همین آرامش درونی‌مان را به دیگر انسان‌ها در همه عالم هدیه کنیم.

مصدق مستضعفان در قرآن

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲.
«مستضعف» در بعضی مناسبت‌ها و موقعیت‌ها شامل کسانی که توان مالی ندارند

۱. روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۷، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸.

۲. و ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های باارزش دهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم (قصص: ۵).



هم می شود؛ اما فقط این نیست. مستضعف شامل کسانی می شود که آن ها را ضعیف نگه داشتند، از حقوقشان محروم نگه داشتند و به آن ها ظلم کردند. اینکه خدای متعال در آیه ۷۵ سوره مبارک نساء فرمود:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾^۱

خدا می فرماید چرا شما در راه خدا، برای نجات مستضعفان، از زنان، مردان و کودکان (ولو آن هایی که مسلمان نیستند)، کاری نمی کنید. شما نشسته اید و دارند این ها را می گشند، به

۱. شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هرگونه راه چاره را بر آنان بسته اند] نمی جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده.





آن‌ها ظلم می‌کنند، رعب و وحشت بر آن‌ها حاکم کرده‌اند و همه سرمایه‌هایشان را به غارت می‌برند. چرا شما تماشاچی هستید؟ یا در روایات راجع به همین آیه فراوان داریم که فرمودند مستضعفان یعنی ائمه علیهم‌السلام: کسانی که باید پرچم‌داران حاکمیت عدل و قسط و مجریان احکام خدا باشند. خواستند که این‌ها ضعیف باشند و با عزت و اقتدار ظهور نکنند. آن‌ها عزیز و مقتدرند؛ اما دشمن دیواری کشیده که مردم عزت و اقتدار آن‌ها را نبینند. این هم می‌تواند از جمله معانی این کلمه^۱ باشد.

اراده فردی و اراده جمعی خدا

خدا فرموده است ما اراده کردیم. معمولاً خدا کارهایی را که خودش به تنهایی انجام می‌دهد، می‌گوید «من». مثلاً به موسی علیه‌السلام می‌گوید:

۱. کلمه «مستضعف».

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
لِذِكْرِي﴾^۱

فقط من خدا هستم. فقط مرا عبادت کن و نماز را فقط به خاطر من و به یاد من برپای دار. اما آنجا که کار آدم‌ها هم هست؛ یعنی انسان‌ها باید برای تحقق اراده الهی حرکت کنند و اراده انسان‌ها باید قیام کند، فرمود: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲. این اراده ماست؛ یعنی همه بندگان صالح ما باید پای این اراده فعال باشند. [گفت] اراده کردیم، نگفت [اراده] کردم. اگر می‌گفت «اُرِيدُ» دیگر ما خیالمان راحت بود و می‌گفتیم خودش یک کاری می‌کند. اما وقتی که

۱. همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست، پس مرا پرست و نماز را برای یاد من برپا دار (طه: ۱۴).

۲. و ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های بارزش دهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم (قصص: ۵).



می‌فرماید «نُرِيدُ» یعنی هر انسان مؤمن، عاقل و عدالت‌مدار، هر انسانی که می‌خواهد پرچم حق برافراشته بشود و منجی عالم ظهور کند، باید فکری بکند، باید حضور پیدا کند و باید آماده بشود.

امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ؛ منجی همه اهل عالم

راجع به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ.» این ارث و میراث عزت، ایمان، اقتدار و وحی الهی همین طور ادامه دارد. انقلاب ما هم میراث حماسه عاشورایی اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ است. به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ هم سلام می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ.» (این فقط مال امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیست). جالب این است که پشت سر این آیه، آیه دیگری هم هست. به همه کسانی که بر پایه این آیه جشن می‌گیرند و

۱. فراز نخست زیارت وارث.





اظهار شادی می‌کنند، تبریک عرض می‌کنیم. بر همه اهل علم مبارک باشد؛ چون امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه الشریف، فقط امام زمان شیعیان نیست. برای نجات همه اهل عالم قیام می‌کند؛ بنابراین مبارک‌بودن این مولود برای اهل عالم است. باید آیه بعدی را هم در جشنمان بیاوریم و زیبایی‌اش را تماشا کنیم. فرمود:

﴿وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۱

برای منجی عالم بشریت و پیروان راستین او تمکن ایجاد می‌کنیم و زمینه فراهم می‌کنیم. همه نوع امکانات در اختیارشان قرار می‌گیرد.

بلندتر شدن فریاد عدالت‌خواهی در جهان
شما که حرکت می‌کنید، سید حسن نصرالله

۱. و برای آنان در آن سرزمین، زمینه قدرت و حکومت آماده کنیم و به فرعون و هامان و سپاهشان که از ایشان اند چیزی را که از آن هراسناک و در حذر بودند [و آن پیروزی بنی‌اسرائیل بر آنان بود] نشان دهیم (قصص: ۶).



از راه می‌رسد، شیخ ابراهیم زکزاکی در آفریقا پیدایش می‌شود و عبدالمالک حوئی در یمن با یارانش قیام می‌کند. شما اینجا حرکت کردید؛ ولی تنها نماندید. انگار خیلی‌ها در بحرین و آفریقا منتظر شما بودند. از تو حرکت، از خدا برکت:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۱

همه این‌ها را می‌بینیم. هرچقدر فریاد عدالت‌خواهی بلندتر بشود، توده‌های عدالت‌خواه عالم که اکثریت قریب به اتفاق مردم دنیا هستند، حواسشان را جمع می‌کنند، توجه می‌کنند و به این جماعت عدالت‌خواه می‌پیوندند. خدا می‌گوید ما به فرعونیان، دارودسته فرعونیان و سیستم استکباری همان

۱. و [نیز یاد کنید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می‌افزایم و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است (ابراهیم: ۷).



چیزی را نشان می‌دهیم که از آن گریزان بودند. همان چیزی را که از آن فرار می‌کردند، به آن‌ها نشان می‌دهیم؛ یعنی ذلتی را که از آن فرار می‌کنند، خواهند چشید. پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و «عَلِيِّ وَوَلِيِّ اللَّهِ» که این‌ها از آن‌ها همه دارند، بر بام گیتی برافراشته خواهد شد. این وعدهٔ مسلم خدای متعال است؛ منتها خدا می‌خواهد ببیند که مالیقت داریم که قاطی ارادهٔ خدا بشویم. خدا نگفت «أُرِيدُ»؛ گفت «نُرِيدُ». یعنی باید ارادهٔ بندگانم قاطی ارادهٔ من بشود تا اینکه اتفاقات بزرگ رقم بخورد.

گرایش جهان به علم و اخلاق در گذر زمان

اگر ما واقعاً تاریخ جهان، تاریخ روند فرهنگی انسان‌ها و گرایش انسان‌ها یا سیر بیداری معنوی و فرهنگی انسان‌ها را مطالعه کنیم،



کاملاً باور می‌کنیم که جهان هر روز شتابان به سوی علم پیش می‌رود؛ یعنی جهان امروز عالم‌تر از جهان دیروز است. جهانیان هر روز بیشتر از گذشته به سوی اخلاق پیش می‌روند؛ یعنی اخلاق برایشان مهم می‌شود. جهان هر روز بیشتر از گذشته عقلانی و استدلالی می‌شود، به عدالت علاقه‌مند می‌شود و به فضایل و ارزش‌های متعالی توجه می‌کند. آینده را نسبت به گذشته روشن‌تر می‌بینیم؛ برای اینکه قافلهٔ انسان‌ها در این مسیر حرکت می‌کند. یعنی جنایت‌هایی که الان در دنیا اتفاق می‌افتد، اگر دو‌یست سال پیش این جنایت‌ها بود، مردم کمتر مطلع می‌شدند. برای اینکه آگاهی‌شان کم بود، خبردار نمی‌شدند. اگر هم خبردار می‌شدند آن اعتماد به نفس را نداشتند و آن حساسیت در ایشان نبود. بشر به رشد رسیده استبداد را تحمل نمی‌کند و استثمار و استعمار



اجانب را نمی‌پذیرد. یک زمان راحت به عنوان استعمار (استعمار کلمه ظاهراً قشنگی است؛ [به معنای] طلب عمران و آبادانی) می‌آمدند [و می‌گفتند] ما آمدیم کشور شما را آباد کنیم. انگلیسی‌ها چقدر کشورها را با همین کلمه به نابودی کشاندند. مردم آن علم و آگاهی را نداشتند که حساسیت نشان بدهند و آن خودباوری در آن‌ها نبود که در خودشان ببینند که می‌توانند در مقابل ظلم بایستند. عدالت را آن‌قدر نشناخته بودند که ظلم را تشخیص بدهند. شاید از اخلاق شناخت نداشتند که بفهمند این خلاف اخلاق است که یک نفر از آن سر دنیا بیاید و در خلیج فارس برای خودش صاحب ادعا و مُلک باشد. در گذشته‌های دور این را نمی‌فهمیدند؛ اما الان می‌بینیم همه مردم دنیا این آگاهی را هر روز بیشتر از گذشته پیدا می‌کنند و این‌ها یعنی زمینه ظهور. عقل



انسان‌ها روز به روز کامل‌تر می‌شود.

رشد عقلانیت و اخلاق در انسان‌ها؛ زمینه‌ساز ظهور

عقل که کامل شد، ما شایستگی ملاقات با انسان کامل را پیدا می‌کنیم. خدا راجع به پیغمبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۱.

منجی عالم بشریت از جنس پیغمبر ماست و آن خُلُقِ عَظِيمِ به او ارث رسیده است. چه کسی می‌تواند این خُلُقِ عَظِيمِ و این انسان کامل را بفهمد؟ انسان جاهل، انسان به‌دور از عقل و اخلاق، انسانی که اصلاً دغدغه‌ای برای عدالت ندارد، انسانی که در مقابل ظلم و ستم هیچ انگیزه‌ای برای مبارزه در او نیست و حتی گاهی تعامل، آشتی، همراهی، پذیرش و ذلت‌پذیری در او هست، این انسان که لیاقت این کار را

۱. و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری (قلم: ۱۴).





ندارد. انسان‌ها برای فضایل اخلاقی آماده‌تر می‌شوند. پس خلاصه کلام اینکه جهان هر روز با شتاب به سوی علم، اخلاق، عدالت خواهی، عقلانیت و امثال آن در حرکت است و این حرکت یعنی حرکت به سوی ظهور؛ و ظهور منجی عالم بشریت یعنی ظهور همه ارزش‌های متعالی در انسان‌ها. این‌ها همه با هم اتفاق می‌افتد.

گرایش غیرمسلمانان به عقلانیت

وقتی که می‌گوییم جهان، یعنی غیرمسلمان‌ها هم روزبه‌روز مایل هستند عقل و دانششان بیشتر بشود و غیرمسلمانان‌ها هم از ظلم بدشان می‌آید. جوان ایزدی به سردار سلیمانی می‌گوید: «اجازه بده من به تو بگویم پدر». حالا این ایزدی اهل کتاب هم نیست. نه یهودی، نه مسیحی و نه مسلمان است. می‌گوید: «اجازه بده من به تو بگویم پدر»؛





برای اینکه تو ما را از ظلم و جنایت و از بیداد و رعب و وحشت نجات دادی. سردار سلیمانی تو چه کسی هستی؟ - «من سرباز امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ و مجری فرمان نایب امام زمان هستم».

ولایت؛ رکن اساسی در میان ارکان اسلام

در حدیث آمده است: «اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، روزه، حج، زکات و ولایت.»^۱ این حدیث پیوستی دارد که از نماز، روزه، حج و زکات که همه، ارکان زندگی انسانی هستند (ارکان معنوی، ارکان اجتماعی، ارکان اقتصادی، ارکان ارتباطات بین‌المللی مثل حج) به هیچ‌کدام از این چهار رکن به اندازه ولایت سفارش و تکیه نشده است. اگر ولایت جا افتاد، همه چیز جا می‌افتد و نماز جای خودش را

۱. «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، تصحیح غفاری و آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۱۸).



پیدا می‌کند. امروز اگر با اقتدار در دنیا حضور و ظهور پیدا کرده‌ایم، به خاطر این است که زمام امورمان به دست کسی به نام ولی فقیه است؛ یعنی کسی که در عصر غیبت، رسالت دین و پرچم‌داری مسئولیت مردم دنیا به عهده اوست. نه فقط مسلمان‌ها، [بلکه] مسئولیت مستضعفان عالم هم به عهده اوست.

ارائه الگوی جذاب از اسلام؛ مهم‌ترین وظیفه منتظران ظهور

مهم‌ترین وظیفه‌ای که ما داریم این است که الگوی زیبا و جذاب اسلام را به جهانیان نشان بدهیم (الگوی اسلام خیلی زیبا و جذاب است). در همه شئون زندگی، مثلاً اگر اقتصاد ما ربوی باشد و ما از اقتصاد دینی صحبت کنیم، مردم دنیا به ما نگاه می‌کنند و می‌گویند شما که خودتان آلوده ربا هستید. اگر ما در تبعیض





زندگی کنیم، بعد مردم جهان را به عدالت و همزیستی جذاب و زیبای عاطفی انسانی دعوت کنیم، ممکن است خودمان زیر سؤال برویم. اگر صداقت و راستی در زندگی مان نباشد... و همه قضایایی از این جنس. پس: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ.»^۱ ما باید عملاً دین را در زندگی خودمان به اجرا دریاوریم.

سیاه‌نمایی و سیاه‌کاری؛ حرکت‌هایی استثنایی از برخی جوانان

البته ناشکری نکنیم. مثلاً دیروز روز جوان بود. الان ما چقدر در این عالم و در این مملکت جوانان گل داریم. فداکارند و حرکت‌های جهادی

۱. شما نسبت به مردم داعی و مبلغ باشید با جز زبان خود، تا از شما پارسایی و کوشش و نماز و کار خیر ببینند؛ زیرا این‌ها خودشان دعوت‌کننده خوبی هستند (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۴، ترجمه کمره‌ای، قم: اسوه، ۱۳۷۵، ص ۲۳۹).

دارند. همان جوانانی که وقتی رعب و وحشت جنگ به صدا درآمد، راهی جبهه‌های جنگ شدند و به شهادت رسیدند. خانواده‌هایشان گل پرورش داده بودند. این گل‌ها در جبهه پریپر شدند؛ اما عطرشان در همه عالم پیچید و این شد الگوی اسلامی. همانی که ما الان دنبالش هستیم. البته ممکن است در موارد استثنائی سیاه‌نمایی و سیاه‌سازی کنند. سیاه‌نمایی این است که سیاهی‌های کوچک را بسط بدهیم و بزرگ کنیم. اما سیاه‌سازی و سیاه‌کاری یعنی کسانی که خودشان وارد شده‌اند که سیاه کنند. کسی که دروغ می‌گوید، کسی که به مردم وعده می‌دهد و عمل نمی‌کند، کسی که در مسند وزارت، ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس، استانداری، فرمانداری و امامت جمعه و جماعت می‌نشینند؛ ولی کار دیگری می‌کند و وظیفه خودش را انجام نمی‌دهد. هرکس و





هرکجا. این می‌شود سیاه‌سازی. ما باید کاری کنیم که این سیاه‌سازی‌ها نباشد.

سیره اهل بیت علیهم‌السلام؛ مصداق انسان‌های «صادق»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^۱.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با تقوا باشید و با صادقین همراه شوید. «صادق» یعنی علی بن ابی طالب علیه‌السلام (رفتار و سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام)، یعنی صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها‌السلام، یعنی زینب کبری علیها‌السلام، یعنی امام حسن مجتبی علیه‌السلام، یعنی امام حسین علیه‌السلام. همین امام حسن مجتبی علیه‌السلام در مدینه، سوار بر اسب، با شوکت و جلال و جاهی حرکت کرده بودند. غریبه‌ای آمد و شروع کرد به ناسزاگفتن. امام علیه‌السلام رو کرد به او که: تو که

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با صادقان باشید [صادقانی که کامل‌ترینشان پیامبران و اهل بیت رسول بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند] (توبه: ۱۱۹).



ناسزا می‌گویی، معلوم می‌شود غریبه هستی. چرا ناراحت هستی؟ با اینکه امام می‌توانست او را تنبیه کند یا در زندان کند. بعد فرمود که اگر گرسنه هستید، من به شما غذا می‌دهم. اگر جای استراحت لازم داری، من جای استراحت به تو می‌دهم. اگر در راه مانده‌ای و مسافر هستی، من خرج راهت را تأمین می‌کنم. آن طرف می‌گویی موقعی که وارد مدینه شدم، آن قدر این آقا با من درست برخورد کرد. از شام آمده بود. خیلی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام کینه داشت. گفت موقعی که وارد مدینه شدم، دلم پر بود از کینه نسبت به علی علیه‌السلام و اولاد علی علیه‌السلام؛ ولی وقتی از مدینه خارج می‌شدم، دلم مالا مال شد از محبت نسبت به علی علیه‌السلام و اولاد علی علیه‌السلام.^۱ دنیا این را از ما می‌خواهد.

۱. نک: علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۱، تصحیح رسولی محلاتی و بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق، ص ۵۶۱.



مناسبت‌های هفته

میلاد منجی عالم بشریت

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مناسبت، میلاد منجی عالم بشریت است. ان شاء الله بر همه مردم، مؤمنین و منتظران ظهور مبارک باشد. کاری بکنیم که این جشن و زیبایی دیده بشود و این زیبایی ظهور در خیابان‌های شهرمان، در خانواده‌هایمان، در دل‌هایمان و در چشم‌هایمان تجلی پیدا کند. رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام در بیاناتشان فرمودند: «[سال] ۱۴۰۰ متبرک است به اینکه دو نیمه شعبان در آن



هست.»^۱ یکی همین که داریم. دیگری را هم در پایان سال خواهیم داشت ان شاءالله. در این بین هم از خدا ملتمسانه ظهور را طلب می‌کنیم.

نمونه‌هایی از خرافی‌گری در سنت‌های نوروزی

موضوع دیگری که باید به‌عنوان مناسبت عرض کنم این است که ما گاهی در جشن‌های نوروزی مان تخطی‌ها و بی‌انضباطی‌هایی می‌بینیم که جالب نیست؛ مثلاً رنگین‌پوستان بسیار محترم‌اند و ما حق نداریم به حرمت آن‌ها جسارت کنیم. سیاه‌پوست باشند یا هر رنگ دیگری. خدای متعال این‌ها را بندگان خوب خودش می‌داند:

۱. سیدعلی خامنه‌ای، «پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۰»، سایت خامنه‌ای. آی‌آر:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=47540>





﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ
مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^۱

به بهانه جشن و خنده، در صداوسیما و در کوچه و خیابان. باید حرمت این‌ها نگهداری بشود. فلسفه بافی برای خرافات، یعنی بازگشت به جهالت و دوران قبل از اسلام. آن‌هایی که این فلسفه‌ها را می‌بافند، بندگان خدا نمی‌دانند؛ ولی بایستی بدانند. بعد از چهل و چند سال از انقلاب، خوب نیست که ندانند. مثلاً فرض کنید برای پریدن از روی آتش و گره زدن سبزی فلسفه ببافیم. انگار که هرچه خدا می‌خواهد ما را به سمت تعالی، کمال، عقل، معرفت و اندیشه ببرد، ما داریم فرار می‌کنیم. خب این کار را نکنیم و فلسفه بافی هم نکنیم. تسلیم

۱. به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم (اسراء: ۷۰).





باشیم در مقابل زیبایی‌های اسلام و جدی
باشیم در مقابل هرچه که خرافات است و با
عقل و منطق و ایمان نمی‌خواند.

گرفتاری عربستان در باتلاق یمن؛ نتیجه اعتماد به آمریکا

باتلاق یمن نتیجه تکیه بر ستمکاران بود که
امروزه برای عربستانی‌ها پیش آمده است:
﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا
لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾^۱
[اگر] به ستمگران تکیه کنید، آتش می‌گیرید.
عربستان، تو به آمریکا تکیه کردی که منافی
را ببری؟ الان نه می‌توانی در یمن بمانی و نه
می‌توانی نجات پیدا کنی. با ریسمان آمریکا
خودت را به این جهنم جنگ مبتلا کردی و

۱. و به کسانی که [به آیات خدا، پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده‌اند، تمایل و اطمینان
نداشته باشید و تکیه کنید که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید و در آن حال شما را
جز خدا هیچ سرپرستی نیست، سپس یاری نمی‌شوید (هود: ۱۱۳).





زمینه‌های فروپاشی را در خودت فراهم کردی.
این درس عبرت باشد برای کشورهای دیگر
و برای ملت‌ها که فقط به خدا دل ببندیم
و از خدای متعال پیروزی، موفقیت، آرامش و
آسایش را تمنا کنیم.

والحمد لله رب العالمین...



